خبر

«روایت زن ایرانی» در جشنواره عمار منتشر شد

همزمان با برگزاری سیزدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار و به بهانه ۱۷ دی، سالروز اعلام کشف حجاب رضاخانی، ویژه‌نامه «روایت زن ایرانی» منتشر شد.

در این ویژه‌نامه مطالبی از جمله «نسبت خانه‌نشینی زن با کالانگاری او» تقریری از سخنرانی حجت‌الاسلام محسن قنبریان، گفت‌وگو با رقیه رودسرایی نویسنده کتاب «انقلاب ژاکت‌های دکمه‌دار»، گفت‌وگو با دکتر رقیه فاضل درباره سرمایه‌داری و فرصت فکر کردن زنان، «بُت دوگانه (خانه‌داری-فعالیت اجتماعی) را بشکنیم!» یادداشتی از مهدی تکلو، یادداشت‌هایی درباره فیلم‌های با موضوع زن در ادوار جشنواره مردمی عمار، «مفرد مونث غائب» گفت‌وگو با مریم برزویی، معرفی کتاب «مَنَم یه مادرم» روایت‌هایی از سبک تربیتی والدین شهدا، «تا قلّه راهی نیست» تأملی در چرایی بازنمایی منفی وضعیت اجتماعی زنان در جمهوری اسلامی ایران و گفتارهایی از احمد عسگری، ملیحه بخشی‌نژاد، دکتر فرجا...

هدایت‌نیا و... می‌خوانیم.

از طریق مراجعه به سایت عمار می‌توانید نسخه مجازی این ویژه‌نامه را دریافت کنید و همچنین با مراجعه حضوری به سینما فلسطین محل نمایش مرکزی آثار سیزدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار نسخه چاپی این ویژه نامه را دریافت کنید. نمایش آثار سیزدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار تا ۲۱ دی ادامه دارد و علاقه‌مندان می‌توانند به صورت رایگان از این آثار دیدن کنند.

در گفت‌وگوی «جام جم» با محسن اسلام‌زاده، کارگردان «هیچ کس منتظرت نیست» بررسی شد

مچ‌اندازی سینمای مستند با فیلم‌های ضدفرهنگی

علی رستگار
گروه فرهنگ و هنر

معمولا عادت کرده‌ایم مستندها را یا در جشنواره سینماحقیقت ببینیم یا در اکران‌های خصوصی و جلسات نقد و بررسی یا در سامانه‌هایی چون هاشور، اما اکران عمومی مستندها در این سال‌ها به شکل معدود و پراکنده در قالب گروه هنر و تجربه عملی شد. مستند «هیچ کس منتظرت نیست» به کارگردانی محسن اسلام‌زاده اما برگ تازه‌ای در اکران مستند در ایران است و باوجود نمایش تک‌سئانسی و تک‌سالنی می‌تواند نویدبخش اتفاقات خوب در توجه بیشتر به مستند باشد و باید اهمیت چنین اتفاقی را فراتر از مناسبات اکران دانست و نباید ارزش‌های آن را به بحث گیشه تقلیل داد. این مستند که روایتگر دغدغه‌های مدیر مرکز نگهداری زنان معتاد کارتن‌خواب و مشکلات و چالش‌های خانم‌های معتاد است، در جشنواره سال گذشته سینماحقیقت، جایزه ویژه بهترین فیلم مستند از نگاه داوران ناجی هنر را به دست آورد. در گفت‌وگو با محسن اسلام‌زاده، کارگردان این مستند و یکی از پرکارترین و موفق‌ترین مستندسازان ایران، درباره برخی ابعاد «هیچ کس منتظرت نیست» حرف زدیم.

اولین نکته‌ای که درباره «هیچ کس منتظرت نیست» جلب توجه می‌کند، نمایش عمومی آن در فضای اصلی اکران و در کنار رقبای پرهیاهو و پرچهره سینمای داستانی است. چرا تصمیم گرفتید فیلم را خارج از گروه هنر و تجربه اکران کنید و چالش‌های روزانه یک سئانس در یک سالن سینما و قطعا فروشی بسیار ناچیز را به جان بخرید؟

همیشه معتقد بودم همان قدر که پیش‌تولید، تولید و پس‌تولید اهمیت دارد، موضوع توزیع فیلم هم بسیار مهم است، مخصوصا در حوزه مستند در کشور خودمان. چند نهاد جزو علاقه‌مندان اکران مستند «هیچ کس منتظرت نیست» بودند، اما من به این دلیل مرکز مستند سوره و سازمان سینمایی سوره را انتخاب کردم که این فیلم توزیعی جدی داشته باشد، چون امیدی نداشته و ندارم که تلویزیون این کار را پخش کند و نمی‌خواستم هم صرفا در چند جشنواره اکران شود. آن زمان هنوز هیچ خبری از پخش «رویش» بهمن سبز و اکران‌های منطقه‌ای و رویدادمحور آن نداشتم که حالا «هیچ کس منتظرت نیست» در قالب آن نمایش داده می‌شود. بعد از استقبال خوب از فیلم در جشنواره‌های سال گذشته سینماحقیقت و فیلم فجر و حضور در یک جشنواره خارجی، دوستان سوره تصمیم گرفتند کار جدی درباره اکران فیلم انجام دهند. البته آن موقع فکر نمی‌کردم قرار است این قدر دقیق و با ظرفیت بالا پای کار بیایند. همیشه آرزویم این بود که فیلم مستند، هم مثل دیگر فیلم‌های سینمایی روی پرده اکران شود و هم در دانشگاه‌ها به نمایش درآید. نه‌تنها برای فیلم خودم بلکه امیدوار بودم که این اتفاق خوب برای همه آثار خوب مستند بیفتد. سینمای مستند واقعا سینمای دغدغه‌مند است و چون براساس دردهای جامعه شکل گرفته، حداقل در جمع‌های نخبگانی موردتوجه قرار می‌گیرد.

بحث فرهنگسازی این ماجرا هم مهم است و اکران یک مستند خوب در حد توان و بضاعت خودش می‌تواند با بخش عظیمی از فیلم‌های سینمایی و داستانی که ضدفرهنگ هستند، مقابله کند. الان ولو با اکران یک مستند در میان خیل فیلم‌های داستانی و حتی در فضایی نابرابر، انگار روزنه امیدی در این خصوص ایجاد شده است.

دقیقا. بحث این فیلم مطرح نیست، مستندهایی داریم که کارگردان‌ها واقعا درباره موضوعات مختلف کار خوب کرده‌اند و به نظرم در صورت اکران، مردم بابت تماشای آن پول هم پرداخت می‌کنند. هربار که می‌بینم مستندی روی پرده سینماست، خیلی خوشحال می‌شوم. اگر شما میانگین بگیرید که چند درصد سینمای داستانی ضدفرهنگ است، با وضعیت تاسفباری روبه‌رو می‌شوید. از آن طرف سینمای مستند اکثرا دغدغه‌مند است و جامعه را به فکر وا می‌دارد. راستش شاید هنوز اعتماد به نفس اکران مستند را پیدا نکرده باشم و همین فیلم هم حتما در فضای تجاری اکران و با این تک‌سئانس‌ها شکست می‌خورد، اما دوستی گفت چندان نگران نباش. ۹۰-۸۰ درصد فیلم‌های داستانی هم همین سرنوشت را دارند ولی فیلم‌های مستند از جمله همین فیلم با بودجه بسیار محدودی تولید شده‌اند، اما فیلم‌های داستانی با میلیاردها تومان هزینه ساخته می‌شوند و در اکران شکست می‌خورند. با این حال اکران همین مستند غنیمت است و امیدوارم در درازمدت راه برای نمایش کارهای دیگر در فضای اصلی اکران باز شود. مستند همان طور که در تلویزیون خودش را ثابت کرد و به ویژه با ساخت چند مجموعه مستند مثل «آخرین روزهای زمستان» مخاطبان خوبی به دست آورد و حتی مچ خیلی از سریال‌های داستانی را هم خواباند، در سینما هم اگر ضریب خوبی بگیرد و از سوی مسئولیان و توزیع‌کنندگان جدی گرفته شود، ظرفیت موفقیت و اقبال مردمی را دارد. ضمن این که فارغ از فکر و برنامه‌ریزی برای درآمدزایی مستند، باید همگانی‌بودن اکران آن را هم جدی گرفت و فیلم‌ها را در محل‌هایی چون مسجد، زندان، دانشگاه و مراکز و نهادهای مختلف پخش کرد، مثل کاری که جشنواره فیلم عمار در قالب اکران‌های مردمی انجام می‌دهد، منتها این طرح را باید با حفظ و رعایت استانداردهای پخش فیلم انجام داد. این شیوه، هم به من مستندساز انگیزه ادامه می‌دهد و هم رسالت فیلم به انجام می‌رسد و نتیجه می‌دهد.

ساخت و نمایش فیلم‌هایی مثل «هیچ کس منتظرت نیست» چقدر می‌تواند موثر باشد و شاخک‌های دو گروه مخاطب هدف را تیز کند؛ اول خود معتادان انگیزه‌ای برای ترک و شروعی دوباره پیدا کنند و دوم مدیران و مسئولان برای توجه به این مشکلات و تلاش برای رفع آنها؟

عرصه فرهنگی و امر فرهنگسازی بسیار زمانبر است و باید سلسله اقداماتی به نتیجه برسد تا اتفاقات مثبتی رخ دهد، اما من در یک سال اخیر اثرات خوب این فیلم و قدرت مستند را دیدم. این که ما در این فیلم توانستیم خانم علیزاده را به عنوان یک انسان شریف و دلسوز به تصویر بکشیم، یعنی همان چیزی که هست. معرفی ایشان رسالت و یکی از وظایف ما بود. به جز این باید با این فیلم، مطالبه از مسئولانی ایجاد شود که گاهی دوست و دشمن‌شان را نمی‌شناسند. مسئولانی که نمی‌دانند سپیده علیزاده دوست‌شان است. مسئولان باید بدانند اگر مرکز جامع کاهش آسیب بانوان در شوش را از علیزاده گرفتند، ضربه‌ای به او نزدند، بلکه ضربه به شهر زدند.

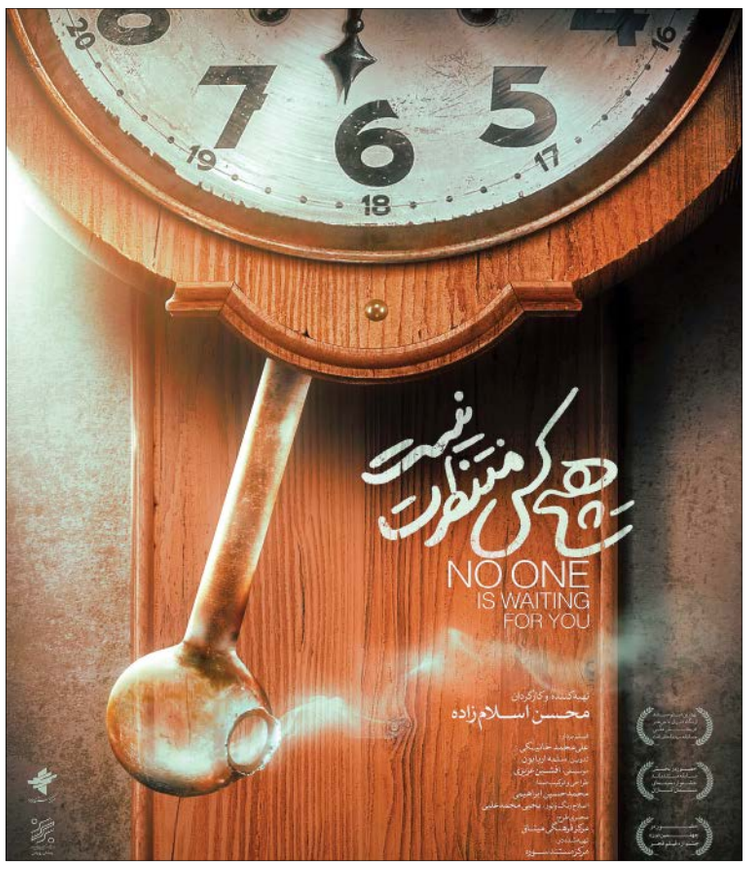

آن مرکز تعطیل شد؟

مدیریت آن را از خانم علیزاده گرفتند و همین باعث شده کارایی آنجا خیلی پایین بیاید.

متاسفانه مسئولان، خودشان را از از انرژی یک شخص دغدغه‌مند محروم کردند که می‌تواند برای این شهر کار کند و مفید باشد.

همان‌طور که در فیلم می‌بینیم، علیزاده زندگی‌اش را وقف حفظ آن مرکز و نگهداری و درمان زنان معتاد کرده بود و شما هم در فیلم باوجود رفت و برگشت‌های تقریبا مداوم به خانه و زندگی مشترک و توجه علیزاده به نقش همسری و مادری، بر مسئولیت‌پذیری و دغدغه‌مندی‌اش تاکید دارید.

برای این‌که می‌خواهیم بگوییم او یک آدم فداکار است. کارکردن در جنوب شهر و فعالیت در حوزه آسیب‌های اجتماعی بدون فداکاری و بدون استفاده از آدم‌هایی با انگیزه‌هایی فراتر از بحث‌های مالی شدنی نیست.

یکی از نشانه‌های میزان فداکاری او در سکانس جشن تولدش در مرکز است که علیزاده به جای آرزوی شخصی، می‌گوید دوست دارد این سقف (اشاره به مرکز) پابرجا بماند.

آفرین. ضمن این که خیلی از کارهای من خارج از مرزهای ایران ساخته می‌شود و همیشه حسرت کار در تهران را داشتم تا مدام بتوانم رفت و آمد داشته باشم و بتوانم با مرور تصاویر فیلمبرداری‌شده، ایده‌های بهتری اعمال کنم و تغییرات مطلوبی در تدوین انجام دهم. این اتفاق خوب در هیچ کس منتظرت نیست، رخ داد. ما این مستند را طی پنج ماه ساختیم که از ماه دوم تدوینگر هم به کار اضافه شد و ما ایده‌های زیادی را به تدریج وارد مستند کردیم. حتی به مرور کاری کردیم که آن جماعت مرکز دیگر دوربین ما را نمی‌دیدند و زندگی خودشان را می‌کردند. ضمن این که ما هیچ دخالتی در هیچ موضوعی نمی‌کردیم و نمی‌خواستم فیلم محتوازده باشد، بلکه اجازه می‌دادیم زندگی آن محیط سیر واقعی و طبیعی خودش را داشته باشد.

اشاره کردید که مستندهایی از این دست، حکم مطالبه از مدیران و مسئولان را دارد، اما جواب سوالم را درباره تاثیر فیلم بر خود معتادان و افرادی همانند سوژه‌های این مستند نگرفتم.

صد در صد تاثیر مثبت خود را می‌گذارد، شک نکنید. به نظرم آن اراده برای ترک اعتیاد و تمایل برای شروعی دوباره که رکنی اساسی در این زمینه است، از طریق این مستند و آثاری مثل این ایجاد می‌شود.

> **عرصه فرهنگی و امر فرهنگ‌سازی بسیار زمانبر است و باید سلسله اقداماتی به نتیجه برسد تا اتفاقات مثبتی رخ دهد**

ما باید زمینه را برای این خواست و اراده فراهم و از یکسری اقدامات بی‌نتیجه دوری کنیم نظیر دستگیری زورکی، کتک‌زدن و اجبار این افراد. مستند من می‌خواهد انگیزه درونی برای ترک را در این افراد تقویت کند. مثلا از مونا پرسیدم چه شد که بعد از ۲۴ سال مصرف، اعتیاد را کنار گذاشتی و از عمق منجلاب خودت را بیرون کشیدی، گفت یک روز بچه‌ای با مادرش مرا دید و گفت لولو. گفت همین کلمه مثل پتکی بر سرم شد و در ذهنم می‌چرخید و اعصابم را به هم ریخت، برای همین ناگهان تصمیم گرفتم اعتیاد را کنار بگذارم. به نظرم ما باید با افراد معتاد دیالوگ برقرار کرده و با آنها گفت‌وگو کنیم و برایشان توضیح دهیم. وقتی زنی بعد از ۲۴ سال مصرف مواد، موفق به شروعی دوباره می‌شود، دیگر حجت بر ما تمام است. شخصی که بعضی از شب‌ها برای این که از سرما یخ نزند و نمیرد، رفته و بین دو سگ خوابیده تا از گرمای بدن آنها استفاده کند. همین نمونه نشان می‌دهد آدم‌های زیادی قابل برگشت هستند. نباید کارتن‌خواب خیابان را به چشم یک زباله اجتماعی ببینیم، بلکه مدیران باید با برنامه‌ریزی نسبت به بازگشت آنها به زندگی اقدام کنند. متاسفانه برنامه‌های فعلی مدیران در این زمینه ناامیدکننده است و آنها با شیوه‌های نامناسبی با معتادان کارتن‌خواب مواجه می‌شوند که رو به افزایش هم هستند. به جز این مدیریت نامطلوب و نادرست، آدم‌های دلسوز مثل سپیده علیزاده هم رد می‌شوند. نمی‌دانم چرا مدیران درس نمی‌گیرند و با رفت‌وآمد طیف‌های مختلف سیاسی، مدام تنظیمات آنها ریست می‌شود. بدون مدیریت درست و دغدغه‌مند و بدون کمک‌های مردمی و عزم همگانی این ماجرا جمع نمی‌شود.

یادداشت

«عمار» حامی منویات انقلاب اسلامی است

هاشم مسعودی
تهیه‌کننده

دغدغه ساخت اثری درباره معلولان و کاستی‌هایی که آنها در نظام اداری و جامعه با آن مواجه هستند، نخستین‌بار در دفتر تولیدات کوتاه حوزه هنری شکل گرفت. پس از آن فیلمنامه‌ای از سوی حوزه برای ما ارسال شد که درنهایت به تهیه‌کنندگی من و مجتبی احسانی و کارگردان سعید ولی‌زاده ساخته شد. فیلم «مدار بسته» به انواع و اقسام معلولیت‌ها در بستری طنز می‌پردازد. عمدا بستر داستان را طنز قرار دادیم که به مدد لحن شیرین قصه، معایب اجتماعی که دامنگیر معلولان هست را برجسته سازیم که ان‌شاءا... مسئولان به آن توجه کنند و درصدد رفع آن برآیند.

امسال اولین دوره‌ای نیست که در جشنواره مردمی عمار حضور دارم. سال‌های گذشته هم هربار با اثری در این جشنواره بودم و اساسا پیدایش آن را مثبت ارزیابی می‌کنم. همان‌طور که از نام این جشنواره پیداست، عمار جشنواره‌ای بسیار مردمی است و زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا آثار فیلمسازان جوان دیده شود. البته بعد از گذشت چند دوره آغازین، علاوه بر کارگردان جوان، فیلمسازان حرفه‌ای هم آثارشان را به این جشنواره فرستادند و باعث شد جشنواره ترکیبی از فیلمسازان تازه‌کار و پیشکسوت را در خود داشته باشد.

جشنواره عمار برخلاف خیلی از جشنواره‌ها که در ایران شکل گرفت و خیلی زود منحل شد تا به امروز به راه خود ادامه داده تا به سیزدهمین دوره خود رسید. نخستین دوره این جشنواره در سال ۸۹ و در سالگرد حماسه نهم دی‌ماه برگزار شد اما نقطه‌عطف آن در اسفند ۹۱ و بعد از جشنواره سوم در دیدار منتخبان جشنواره و ستاد مردمی جشنواره با رهبر معظم انقلاب رخ داد. در این دیدار رهبر انقلاب پس از شنیدن صحبت‌های جمعی از حاضران به موضوع دین و همچنین پرداختن به انقلاب اسلامی و ارزش‌های انقلاب در این جشنواره توصیه کردند و آن را اقدامی مبارک خواندند. ایشان در آنجا تاکید داشتند؛ نگاه به هنر اسلامی و سینمای دینی باید نگاهی بلندمدت همراه با برنامه‌ریزی دقیق، امید به آینده و بهره‌گیری مناسب از ابزار هنر برای تاثیرگذاری حداکثری باشد. هدف اصلی جشنواره مردمی عمار اکران آثار سینمای انقلاب است. محوریت آثار این جشنواره آرمان‌های انقلاب اسلامی است که شاید در دیگر جشنواره‌های کشور چندان پررنگ نباشد. آثاری که پیش از عمار فرصت چندانی برای نمایش نداشتند اما با پیدایش عمار، این فضا برای‌شان فراهم شد. این جشنواره باعث شد اذهان عمومی جامعه مجددا مظلومیت جامعه ایران را ببینند. بنابراین این جشنواره فرصت تازه‌ای را برای شنیدن صدای مخاطبان فراهم آورد. درمجموع از ویژگی‌های این جشنواره همین ابتکار عمل، تازه بودن و حمایت از منویات انقلاب اسلامی است.

در این جشنواره آثاری به نمایش درمی‌آید که بعضا به روش متداول نمی‌توانند با فیلم‌های بلند داستانی یا مستند در جشنواره‌های کشوری رقابت کنند اما در عمار زمینه‌ای فراهم شده تا این آثار به نمایش درآیند و فیلمسازان مستعد شناسایی شوند. چه بسا در میان همین استعدادهای مردمی افرادی پیدا شود که با برگزیده‌شدن در این جشنواره به دنیای فیلمسازی معرفی شوند. به همین دلیل است که بسیاری از فیلمسازان صرفا تمایل دارند اثرشان در جشنواره عمار اکران و دیده شود، حتی اگر جایزه نگیرد یا به بخش مسابقه راه پیدا نکند. از دیگر نکات مهم این جشنواره این است که در تمام ایران، در شهرها و روستاهای دورافتاده برگزار می‌شود که باعث ارتقای فرهنگ فیلم دیدن در همه جای ایران می‌شود. به همین علت از هر کسی که مکانی برای اکران داشته باشد حمایت می‌کنند تا به این‌وسیله اکران عمومی را گسترش دهند. با وجود تمام این نکات مثبتی که گفتم، اگر داوری‌های این جشنواره به شکلی تفکیکی و تخصصی‌تر انجام شود، بهتر است. چون در حال حاضر تمام آثار در یک بستر داوری می‌شود و این درست نیست.

درنگ

«پاییز پنجاه سالگی» در جشنواره عمار

مستند «پاییز پنجاه سالگی» از جمله آثار جشنواره سینماحقیقت بود که برنده سه جایزه سرباز وطن، تندیس نقره‌ای شهیدآوینی و بهترین گفتار متن شد. این فیلم که روایتگر زندگی و مجاهدت سردار شهید مدافع حرم محمد جمالی از دوستان و همرزمان سردار شهید قاسم سلیمانی است، در سیزدهمین جشنواره فیلم عمار هم حضور دارد. کارگردان این مستند هم محسن اسلام‌زاده است که در پاسخ به این سوال که کتاب پاییز پنجاه سالگی به قلم فاطمه بهبودی چه ارتباطی با این فیلم دارد، می‌گوید: این کتاب، نقطه ورود ما به تحقیقات بود. اما من در فیلم سعی کردم روایت خلاقانه و متفاوتی داشته باشم و طوری مستند را پیش ببریم که شخصیت شهید جمالی، حاضرترین غایب فیلم باشد. باتوجه به بازخوردی که از مخاطبان داشتم، آنها نبود شخصیت محوری را در این نوع روایت پسندیدند. به ویژه وقتی خانواده شهید جمالی از مستند ابراز رضایت کردند، انگار باری از روی دوشم برداشته شد.

نشست

تایید صلاحیت آموزشگاه‌های سینمایی

آیین رونمایی از طرح‌های رتبه‌بندی و تایید صلاحیت تدریس مدرسان آموزشگاه‌های آزاد سینمایی با حضور معاونان سازمان سینمایی و مدیران موسسات تابعه در محل سازمان سینمایی برگزار شد.

در این مراسم قادر آشنا، معاون توسعه فناوری و مطالعات سازمان سینمایی ضمن اشاره به نقش و جایگاه ارزنده نیروی انسانی متخصص با اشاره به شناسایی و صدور اخطاریه برای مراکز آموزشی غیرمجاز، عنوان کرد: اطلاعات همه آموزشگاه‌های آزاد سینمایی دارای مجوز در کشور در پرتال معاونت توسعه فناوری و مطالعات سازمان سینمایی به آدرس www.apf.farhang.gov.ir بارگذاری شده است تا از این طریق ضمن اطلاع‌رسانی به علاقه‌مندان شرکت در کلاس‌های آموزشی سینمایی از مراجعه حضوری آنها به مراکز آموزشی غیرمجاز ممانعت شود.

تولید

فیلم «پُک عمیق» تمام شد

تصویربرداری فیلم کوتاه «پک عمیق» به تهیه‌کنندگی علیرضا زروندی و نویسندگی و کارگردانی سمانه قربانی‌کیائی در تهران به پایان رسید و وارد فاز تدوین و صداگذاری شد. این فیلم کوتاه پس از اتمام مراحل فنی در جشنواره‌های داخلی و خارجی فیلم کوتاه حضور خواهد داشت.

سمانه قربانی‌کیائی، کارگردان این اثر پیش از این فیلم‌های کوتاه «سفر»، «شمع» و... را کارگردانی کرده است. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «پدری میانسال که به‌تازگی دختر جوانش را از دست داده به صورت ناشناس وارد محلی که دخترش در آنجا مشغول به کار بوده می‌شود تا...» بازیگران فیلم کوتاه پک عمیق عبارتند از: افشین سنگ‌چاپ، سمانه قربانی‌کیائی، میثم جلالی، مریم شاه‌ولی و طیبه عظیمی.

عوامل فیلم کوتاه پک عمیق به شرح زیر هستند: تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار: علیرضا زروندی، نویسنده و کارگردان: سمانه قربانی‌کیائی، تصویربردار: ناصربابائی، نور و صدا: محمدبابائی، گریم: سمیه کیائی، خواننده: میثم جلالی، آهنگساز: علیرضا زروندی، مدیرتولید: مهدی فولادی‌مهر و تدارکات: طیبه عظیمی.

قاب

شهرک سینمایی میزبان ۳ فیلم و ۲ سریال

شهرک سینمایی تلویزیونی ایران (علی حاتمی) این روزها میزبان سه پروژه سینمایی «آیینه» به نویسندگی و کارگردانی محمود کلاری و تهیه‌کنندگی علی اوجی، «بهشت تبهکاران» به کارگردانی مسعود جعفری جوزانی و تهیه‌کنندگی فتح‌ا... جعفری‌جوزانی، «سینما متروپل» به کارگردانی محمدعلی باشه‌آهنگرو تهیه‌کنندگی سیدحامد حسینی است.

همچنین مجموعه‌های تلویزیونی «نائله» به کارگردانی حسن آخوندپور و تهیه‌کنندگی سعید سعدی، سریال «سلمان فارسی» به کارگردانی داوود میرباقری و تهیه‌کنندگی حسین طاهری در داخل شهرک فعال هستند.